

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مسئله وجوب درست کردن خط آهن در بلاد ایران عرض میشود :
سؤال فرموده بودید که درست نمودن خط آهن و راه شوسه از قبرستان و
از مجمع مردمان که میدان فلان میگویند و بلکه از جائیکه مصادف مساجد
و بخانه ضعفاء باشد جایز است یا نه پس در جواب این مسئله : احقر
میگوید که راه شوسه و خط آهن در بلاد ایران و خصوصاً در آذربایجان
اولاً بر ثروتمندان غیرتمندان و ثانیاً باولیاء دولت و ملت واجب و لازم
است از جهت اینکه عدم وجود خط آهن باعث انحطاط ملت و ذلت اهل

اسلام و تلف شدن ابناء وطن بوده چنانکه در این زمان در بلوای متمرذین معلوم شد که اگر دولت ایران در نقاط آذربایجان خط آهن میداشت ابداً این خرابیها واقع نمیشد و بر فرض وقوع آن فوراً دفع و رفع میشد و این همه نفوس و اعراض مسلمین تلف نمیگشت که هزاران اشخاص محترمین از گرسنگی مرده و هزاران زنان با عصمت بی عصمت گردیده و چندین میلیونها خسارت بدولت اسلام وارد شده و بلکه بلوای آسوریان و تلف شدن دویست هزار نفوس آذربایجان از فقدان خط آهن و عدم امکان حمل آذوقه شد و بالجمله همین تلفات و بلکه تمامی ضعف دولت و ملت از جهت عدم راه شوسه و خط آهن بوده و این مسئله از ابده بدیهیات و از مسلمات اولیه است و احتیاج بسؤال از علماء ندارد پس بنا بر این خط آهن واجب فوری است زیرا که باعث حفظ نفوس و اعراض مسلمین است و بیرون شدن استخوان اموات و بریدن میدان و خراب گردیدن بعضی خانه ها با ادای قیمت آن و انهدام مسجد و بنای آن در محل مناسب ابداً عیبی ندارد و ضرری بمسلمان وارد نمیشود و باموات هم ضرر ندارد زیرا که اغلب اوقات استخوانهای اموات را نقل میکنند و بمقامات مناسب میبرند و اگر قبر میت در زیر خط آهن بماند از نجاسات و کثافات محفوظ میماند اگر کسی بگوید که نبش قبر حرام است و در درست کردن راه شوسه قبور مسلمین نبش میگردد پس در جواب عرض میشود که قتل مسلم بالقطع والیقین از محرّمات کبیره است باصراحت آیات قرآن و با وجود این در کافی و تهذیب در حدیث صحیح از حضرت

صادق عليه السلام روایت کرده اند که سؤال شد عن مدينة من مدن الحرب هل يجوز ان يرسل عليها الماء او تحرق بالنار او ترمى بالمنجنيق حتى يقتلوا وفيهم النساء والصبيان والشيخ الكبير والاسارى من المسلمين والتجار فقال يفعل ذلك بهم ولا يمسك عنهم لهولاء ولادية للمسلمين ولا كفارة تا آخر حديث وجميع فقهاء بر مضمون اين حديث فتوى داده اند و خلاف ديده نشده و حكم کرده اند كه اگر فتح مسلمين موقوف شود بر قتل جمعى از مسلمانان بايد فتح اسلامى را بر قتل مسلمين مقدم بدانند و جمعى از مسلمين را بكشند و اين مسئله در كتب فقهاء مسطور است و همه اهل علم ميدانند و اين حكم را از حديث مزبور فهميده اند و هميشه اهم را مقدم ميكند و مرتكب قتل نفوس ميشوند از جهت مطلبى كه اهم است و از جهت تقديم اهم بود كه مقدس اردبيلى اعلى الله مقامه در نجف اشرف مسجد عمران را كه متصل بصحن شريف بود خراب نمود و آن را داخل صحن كرد از جهت اهم بودن صحن مبارك پس اگر راه آهن باعث ترقيات باشد و در اين بين چند قبر نبش شود و يا مسجدى منهدم گردد و مسجدى ديگرى در آن نزديك بنا شود و استخوان اموات را از اين قبرستان بجای ديگر نقل کنند و راه آسایش مسلمين درست گردد و سبب ترقى اهل اسلام باشد ابدأ ضررى بر اموات وارد نمیشود و ارواح ایشان راضى میشود و اگر فرضاً با موات ضررى واقع گردد پس در ترك آن ضررهای بسيار بزرگان عايد است و حفظ و حراست زندگان واجب تر و لازم تر است بمراتب عديده از حفظ استخوان مردگان زيرا كه در حفظ زندگانی حفظ اسلام است

و در تضييع ايشان محو اسلام است و در محافظت قبرستان فقط يك مشت استخوان است و در تبديل مسجد ضررى باسلام و برمسلمين نيست و در عدم تبديل از جهت خط آهن ضررها بمسلمانان وارد است و باعث ضعف ملت و دولت است و از اين جهت ضعف اسلام است و يك نفر مسلم افضل است از يكصد مسجد بازار و محله و يكنفر زنده بهتر است از هزاران مرده و اگر كسى اينها را نداند عالم نيست و از شرع انور خبر ندارد و بايد بر احاديث شريفه ملاحظه نمايد و از استاد كامل و خبير و بصير تحصيل علم شرع مقدس بكنند اگر در خانه كس است يك حرف بس است و ديگر از جمله واجبات اهم و تكليفات الزم بر اوليای دولت و ملت و خصوصاً به آقايان هيئت سلطنت و رياست اينست كه بزودى علماء بلاد ايران را امتحان فرمايند و امر بامتحان آقايان مجتهدين نمايند و هر كه اجازه اجتهاد از اعلام فقهاء و از طراز اول علماء و مجتهدين داشته باشد همان شخص فقط حق بيان احكام اسلام را دارد و لايق فتوا دادن است و اگر كسى از ملاها و اهل منبرها و مسئله گوها اجازه اجتهاد و تصديق نداشته باشد پس او حق بيان احكام شرع انور ندارد و لياقت ذكر مسائل حلال و حرام براى او نخواهد شد

اى بسا ابليس آدم روى هست پس بهر دستى نبايد داد دست

زيرا كه اغلب فتوا دهندگان و مسئله گويان و بمنبر روندگان و حكم كنندگان در ايران براى نان است و در اكثر اوقات عالم نمايان در لباس عالمان ظاهر شده اند و در بيشتر از مننه گرگان در كسوة ميشان بروز نموده اند

و بعد از امتحان اگر در يك ولايت چند نفر صاحب اجازه اجتهاد باشند پس باید اعلمايشان باسائر شرائط معتبره بيان احكام اسلام نمايد نه همه ایشان تا آنکه انشاء الله تعالى اختلاف کلمه و شق عصای مسلمين نشود و يك جزو اعظم انحطاط دولت و ملت و ذلت و فلاکت مسلمانان همین اختلاف کلمه علماء بلاد ايران بوده پس باید مفتی و فقیه هر ولايت معين شود و امتحان شده باشد نه اینکه هر کسی مفتی و قاضی و اهل منبر و بیان کننده احكام اسلامی گردد و این همه اختلافات در شرع انور و در میان مسلمين واقع گردد و مفساد عديده ظاهر شود که اولیای ملت و هیئت دولت نتوانند واجبات اهم دین خود را انجام دهند و مقاصد الزم اسلام را اجراء نمایند و روز بروز فلاکت و پریشانی و فقر و فاقه و سرگردانی در ايران در میان مسلمانان بیشتر و شایع تر گردد پس باید اولیای دولت و ملت بدون تأخیر با امتحان علماء و تعیین فقیه ولایتی و امتیاز مفتی بدون غرض رانی اقدام فرمایند و بیشتر از این اهل ايران و اهالی اسلام را ضایع و بدون بیان کننده احكام واقعی اسلامی نگذارند و اختلاف کلمه را بردارند و اساس اسلام و نجات ايران را محکم و برقرار بکنند و از گذشته عبرت بگیرند و برآینده رحم بکنند و مسلمين را از حیرت و فلاکت و بلکه از هلاکت برهانند و برای آتیه تدارک نمایند و بر حال سابقه مسلمين و ايران بنظر دقت ملاحظه کنند که چه شد مسلمانان باین ذلت و جهالت واقع شدند و آنچه ذکر شد از تقدیم اعلم و وافقه و تعیین مفتی و فقیه بلدی و

رفع اختلاف از میان مسلمین مضمون آیات و روایات صحیحه کثیره است
و مفاد آیه شریفه **و اعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا** است و اکثر
احادیث در این معنی در کتب اربعه و در وسائل شیعه و در جلد اول بحار
الانوار مرحوم مجلسی اعلی الله مقامه است و هر که خواهد بآنها رجوع
فرماید و اینجا محل ذکر آنها نیست و انشاء الله تعالی آیات و احادیث
و جوب امتحان علماء را در جای دیگر ذکر خواهم نمود حرره الاحقر
الارومی عرب باغی غره صفر الخیر